

ترفند کثیف دیگری از آخذ های ایران

گزارشات رسیده از ایران حاکی از آن است که سفیر پاکستان در ایران مورد حمله قرار گرفته و مجروح گردیده است. (بی-بی-سی) گزارش میدهد که: ((..... سردار حسین ساجدی نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، با اشاره به این که سفیر پاکستان در طول هفته چندین بار بدون محافظ مسیری را در خیابان پاسداران برای رفتن به يك سالن ورزشی طی می‌کرده گفته است: "بعداز ظهر امروز سفیر پاکستان در حالی که در حال طی مسیری بود، با يك افغانی 21 ساله درگیر می‌شود که در پی آن از ناحیه سر مجروح شده و از ناحیه دست به زمین می‌خورد." وی افزود: "در پی این حادثه با تماس مردم، ماموران پلیس به سرعت در محل حاضر و فرد مذکور را دستگیر کرده و سفیر پاکستان نیز به بیمارستان ایران مهر منتقل می‌شود."))

حال تو حدیث مفصل بخوان از این مجمل. این هم ترفند زشت و کثیف دیگریست که از مغز پوک و مریض آخذک های ایرانی تراوش کرده و از طریق دیگری می‌خواهند نه تنها بین ایرانی ها و مهاجرین افغان در ایران اختلاف ایجاد نموده و زمینه را برای یک شورش و بعد سرکوب مهاجرین افغان در ایران، فراهم سازند، بلکه با این ترفند ناکار آمد و مضحک در صدد آن هستند تا برای مهاجرین افغان در پاکستان مشکل ایجاد کرده و اوضاع در پاکستان را نیز مختل سازند و هرج و مرج را در آن کشور براه انداخته و از آن طریق امریکا را زیر فشار قرار دهند و بدین گونه آب ها را گل آلود ساخته و ماهی مطلوب خویش صید نمایند. اما اند این میانه باز هم مهاجر بخت برگشته افغان است که هم در ایران و هم در پاکستان پامال سیاست های جاه طلبانه بیگانگان میگردند.

چگونه میتوان قبول کرد که یک مهاجر افغان بدون هیچ دلیل و برهانی، کسی را مورد حمله قرار دهد و آن فرد هم سفیر یک کشور خارجی در ایران باشد و آن کشور خارجی هم پاکستان باشد که بیشتر از سه میلیون مهاجر افغان را در خود جای داده است و در سی (30) سال گذشته هرگز سابقه نداشته است که یک افغان بدون هیچ دلیل و برهانی، در راه عبور و مرور مردم، یک پاکستانی را مورد حمله قرار داده باشد. لاقلاً هیچ گزارشی از همچو مواردی وجود ندارد. درست است که مهاجرین افغان در پاکستان به وضع بدی قرار دارند و در سالهای پسین، مقامات پاکستانی چندین کمپ مهاجرین را مسدود نموده و مهاجرین بخت برگشته را از آن کمپ ها اخراج کردند و درست است که پولیس پاکستان جهت اخذی به ضرب و شتم مهاجرین افغان پرداخته و عده بیشماری را بدون هیچ دلیلی روانه زندان های مخوف پاکستان نموده است و نیز درست است که به هر دلیل و بهانه، مهاجرین مظلوم افغان در پاکستان زیر فشار شدید پولیس پاکستان قرار داشته و هنوز هم دارند و.....، اما با جرأت میتوان گفت که هرگز و هیچگاهی به مهاجر افغان در پاکستان، " افغانی کثیف " خطاب نشده است و هرگز هم پنج هزار افغان بنام " قاچاقچی مواد مخدر " به زندانهای پاکستان نرفته اند و هرگز هم بیشتر از چهل و هشت تا پنجاه (48-50) نفر افغان را به جرم قاچاق مواد مخدر، در ظرف کمتر از سه روز به چوبه دار نفرستاده اند. و صد البته که هرگز هم اعضای وجود زندانیان افغان را خلاف تمام نورم های ملی و بین المللی و اسلامی و انسانی، بیرون نکشیده و نفروخته اند. مهاجرین افغان در کشور پاکستان از حق تحصیلات ابتدائی تا عالی برخوردار بوده و تعداد قابل ملاحظه از مهاجرین افغان در کشور پاکستان به درجات بلند علمی و مسلکی رسیده اند، در حالیکه در جمهوری اسلامی ایران حق تحصیل از فرزندان مهاجرین افغان گرفته شده است، نه تنها این، بلکه مهاجر بخت برگشته افغان در ایران، از دوا و داکتر و تداوی در شفاخانه های ایران نیز محروم بوده اند. در یک کلام آخذ های ایرانی حق انسان بودن را هم از مهاجرین مظلوم و بی پناه افغان گرفته اند.

آخذ های ایران در طی سه دهه گذشته از این ترفند های شیطانی شان بارها و بارها استفاده کرده و ایرانی ها را بجان مهاجرین افغان انداخته و کشت و خون راه انداخته اند. همین چندی قبل بود که یک ایرانی را ایرانی دیگر بقتل رسانید و جسد وی را در منطقه مهاجر نشین افغان ها پرتاب کرد و فردای آن مقامات مسؤول در جمهوری آخذی ایران اعلان کردند که قاتل افغان بوده است و با این ترفند کثیف دمار از روزگار مهاجرین افغان بدرآوردند و دها نفر کشته و زخمی گردیدند و کلبه های مهاجرین افغان در منطقه چور و غارت شد. به یاد داریم قتل های " زنجیره ئی " را در چندین سال قبل که پولیس ایران از رد یابی و گرفتاری قاتل عاجز آمده بود و برای اینکه مردم را امنیت شان مطمئن سازند، مقامات امنیتی جمهوری آخذی ایران از طریق رادیو تلویزیون اعلان کردند که قاتل را که یک " افغانی " بوده است،

دستگیر کرده اند. همان بود که ایرانی ها بجان مهاجرین افغان افتادند و از کشته های شان در خیابان ها پشته ها ساختند و سلسله کشتار مهاجرین افغان چنان وسیع شد که دیگر از کنترل پولیس و نیرو های امنیتی آخندی بیرون شد ، تا اینکه قاتل اصلی گرفتار شد و به جنایات خویش اعتراف کرد و دوباره اعلان کردند که قاتل " قتل های زنجیره نی " یک ایران است که به جرم خویش اعتراف کرده است و مشخصات وی را اعلان نمودند ، تا اینکه کشتار مهاجرین افغان متوقف گردید ، صد ها مهاجر بی گناه و بی پناه افغان بخاک و خون غلطیدند و چندین روز دیگر آن بخت برگشته ها مشغول جمع آوری شهدا و مجروحین خویش بودند و کلبه های گلین هزاران هزار مهاجر افغان چور و تاراج و به آتش کشیده شد.

از این گونه ترفند های کثیف آخند های ایرانی بی حساب در چانته دارند که وقتاً فوقتاً از آن استفاده نموده و مهاجرین افغان را مورد آزار و اذیت و توهین و تحقیر قرار میدهند و این سلسله با هزاران درد و دریغ که هنوز هم ادامه دارد.

برگردیم به اصل قضیه و آن خبر ناروا و ترفند کثیف آخند های ایرانی است که در بالا ذکر آن رفت .

نخست اینکه چگونه سفیر یک کشور خارجی هر روز از یک گوشه شهر به گوشه دیگر شهر ، جهت ورزش به یک کلب ورزش پیاده طی طریق میکند؟ نه موتری ، نه بادیگاردی ، نه محافظی ، نه یکبار و نه دوبار ، بلکه چندین بار در یک هفته همین مسیر را پیاده طی مینموده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. آیا سفیر پاکستان هیچ مصروفیت دیگری نداشته است ، بجز ورزش؟ آیا همین تسهیلات ورزشی در اقامتگاه سفیر موجود نبوده است؟ آیا هرگز شنیده شده است که یک سفیر در یک ملک بیگانه با پای پیاده به یک ورزشگاه عمومی رفته باشد؟ آیا اگر سفیر از وسیله نقلیه و محافظ و بادیگارد رسمی استفاده نکند، وظیفه کشور مہماندار نیست که امنیت و حفاظت جان یک سفیر را به هر شکل ممکن تأمین نماید؟ و یا لا اقل به وی گوشزد نمایند که در صورت کدام پیشآمد غیر منتظره ، مسؤولیت حفظ امنیت وی را متقبل شده نمی توانند و وی را از چنین کاری برحذر سازند و.....؛ صد ها سوال دیگر نیز در زمینه وجود دارد که هیچکدام هم پاسخ قناعت بخشی نخواهند یافت.

از اینها که بگذریم چرا مقامات امنیتی و پولیس آخندی ایران بلافاصله بعد از توقیف فرد مورد نظر ، اعلان میکند که ضارب یک " افغانی " بوده است ؟ آیا آنها نمی دانند که به قدر کافی آبها را گل آلود نموده اند و یک مشت افراد استفاده جو، هر آن منتظر فرصت اند تا ماهی های مورد نظر شانرا از آن صید نمایند؟ چرا بخوبی میدانند و بسیار خوب هم میدانند ، اما باید مطابق پلان قبلی عمل نمایند و از یک جای دیگر ضربه وارد نمایند. اینبار اما این ترفند کثیف شان ، روابط پاکستانی ها و مهاجرین افغان را نشانه گرفته است. تو گویی آخندک های ایرانی را دشمنی آشتی ناپذیری با افغانها است .

از جانب دیگر اگر فرض کنیم مقامات امنیتی و پولیس آخندی جمهوری اسلامی ایران ، در گفتار و ادعای خویش صادق اند و به اصطلاح کاسه زیر نیم کاسه شان نیست و واقعاً هم یک مهاجر افغان و یا بگفته ایرانی ها " يك افغانی 21 ساله " بوده است که به سفیر پاکستان در ایران حمله نموده و وی را زخمی ساخته است. آیا در همین اوضاع و احوال که آخند های ایرانی بیشتر از چهل و هشت نفر مهاجر افغان را در ظرف کمتر از یک هفته به دار آویخته و تظاهرات اعتراضی افغانها در داخل کشور و در خارج از کشور هر روز وسعت بیشتر می یابد و هر روز عکس ها و عروسک های " احمدی نژاد " و " خامنه نی " به آتش کشیده میشود و مؤسسات بین المللی حقوق بشر این اعمال ضد بشری جمهوری اسلامی ایران را به شدت محکوم می نمایند و مؤسسات داخلی و خارجی در داخل افغانستان بالای حکومت کابل فشار می آورند تا از خود یک عکس العمل قاطعانه در قبال اعدام افغان ها در ایران نشان داده و مانع این جنایت تاریخی گردد و.....، آیا در چنین شرایط عاقلانه است که با قضیه سفیر پاکستان در ایران ، برخورد طفلانه نموده و اعلان نمایند که " يك افغانی 21 ساله " مسؤول آن بوده است؟ عقل سلیم به ما چنین بدعتی را اجازه نمی دهد ، اما عقل سلیم از آخندک سر بازار ، نباید توقع داشت و از جانب دیگر کدام عمل آخند های ایرانی ، نشانی از عقل سلیم دارد؟

در خاتمه این مختصر میخواهم یادآوری نمایم که آخندک های بی مقدار و فتنه جو و شارلتان در جمهوری تازیانه و دار ، بگفته خود ایرانی ها " کور خوانده اند " اگر خواسته باشند با این ترفند محیلانه و زشت شان مهاجرین مظلوم افغان در جمهوری اسلامی پاکستان را نشانه رفته و اوضاع نا بسامان موجود در پاکستان را بیشتر از این نابسامان ساخته و پاکستانی ها را بجان مهاجرین افغان بیندازند. مردم پاکستان از بدو مهاجرت افغان ها به کشور شان ، رویه دوستانه و برادرانه با مهاجرین افغان داشته اند و هوشیارتر از آن اند که به شعبده بازی های آخندک های پوک مغز ، فریب بخورند. البته حساب مردم پاکستان از پولیس و حکومت پاکستان جدا است.

و اما در مورد ایران چنین ادعای کرده نمی توانیم چون آخذها و عمامه داران ایران از همان نخستین روز های مهاجرت افغان ها به ایران ، چنان اوضاع را در آن کشور مغشوش ساخته اند و چنان تبلیغات ضد مهاجرین افغان را شاخ و پنجه داده اند و چنان زبونانه کوشیده اند که همه نابسامانی ها از هم پاشیده گی ها و ناکارآمدی های رژیم تازیانه و دار خود ها را ، بدوش مهاجرین افغان بیندازند که فرق پنبه و پنبه دانه نزد اکثر ایرانی ها در جمهوری اسلامی ایران مشکل شده است و در هر مشکل و هر ناروایی ، مردم ایران یخن مهاجر افغان را چسبیده اند و این بدعت شیطانی زاده مغز گندیده آخذک های شیطان صفت ایران است که در مورد مهاجرین افغان ، ایرانی های داخل کشور را کاملاً مغز شوئی نموده و تمام نارسائی های رژیم منفور و مردود شانرا ، زاده مهاجرین بی پناه و مظلوم افغان وانمود کرده اند .

امید است ایرانی های آزاده و سربلند گول ترفند های شیطانی آخذک های سیاه مغز و مریض را نخورده و هوشیار باشند و بدانند که به همان اندازه که آنان از این آخذک ها و آیت الله ها و رژیم غیر قانونی تازیانه و دار شان متنفر اند ، به همان اندازه و بلکه بیشتر از آن افغانها از این رژیم منفور و غرق در خون بی گناهان ، نفرت دارند و بیصبرانه منتظر سرنگونی این رژیم کثیف و آخذک های مریض آن اند، البته حساب مردم افغانستان از حساب کرزی ها و همقطاران شان جدا است.



رژیم جمهوری اسلامی یک زندانی مجروح را در حالیکه پاهایش قطع شده و خون از بدنش جاری بود، روی برانکار مخصوص حمل مجروحان حلق آویز کرد.

((عکس و شرح از سایت " من یک شورشی نیستم "))